

مقالات (۲۵)



مرکز مطالعات متین

MatinStudies.com

# جهانی سازی زنان

کمال حبیب | ترجمه: فاطمه محیی الدین



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## جهانی‌سازی زنان

جهانی‌سازی زنان یعنی تبدیل آن‌ها به موجودی بین‌المللی که می‌توان آن را پدیده‌ای فرادولتی و یا فراقاره‌ای توصیف کرد. برای تبدیل زنان به رویدادی جهانی باید کنفرانس‌های بین‌المللی برگزار کرد و قطعنامه‌های جهانی امضا کرد و موافقت‌نامه‌هایی که دولت‌ها را ملزم به رعایت حقوق این پدیده می‌کند.

توصیه‌های کنفرانس‌های بین‌المللی و قطعنامه‌ها و قراردادهای جهانی نشان‌دهنده مرجعیت جهانی جدیدی است که می‌توان آن را ایدئولوژی فمینیسم خواند که قدرت ایدئولوژی‌های سیاسی قرن گذشته که بعدها فرو

پاشیدند و محو و نابود گشتند را دارد. همانطور که در مورد ایدئولوژی‌های سیاسی و فکری نیز چنین بود زیرا ایدئولوژی فمینیستی جدید خواستار این است که طرفدارانی در سراسر دنیا و در همهٔ کشورها و مردمانش و در همه مشاغل داشته باشد و آن وسیلهٔ جدیدی است برای تسخیر جهان و مردمانش و دین جدیدی است که می‌خواهد تمام جهان پشت سر او متحد شوند و به آن پای‌بند باشند. اما خطر این ایدئولوژی و دین جدید این است که منادی نظم نوین جهانی و دعوت‌کننده به آن است؛ همان نظم نوین جهانی‌ای که به آنچه آن را پیروزی نهایی و جهانی تفکر سکولار غربی می‌دانست، دست یافته است و می‌خواهد این دین و ایدئولوژی را به اجبار به همهٔ جهان تحمیل کند طوری که یک قدرت جهانی و یک مرجعیت جهانی و یک انسان جهانی وجود داشته باشد و تمام مرزها و استحکامات را در مقابل این قدرت جدید و منحصر به فرد جهانی از هم بگسلد، به گونه‌ای که خواسته‌ها و تمایلات و منافع آن پذیرفته شده و بدون هیچ مانعی از سوی دین یا زبان یا رنگ یا جنسیت یا ملیت یا فرهنگ، مورد استقبال قرار گیرد. این

## جهانی‌سازی زنان |

یعنی مرجعیت جدید جهانی تبدیل به جایگزینی شود برای هر آنچه دولت‌ها و نژادهای بشر از فرهنگ و تاریخ و مبارزات و عقاید شناخته‌اند، به گونه‌ای که تمام اینها خاطره‌ای بی‌ارزش و بی‌معنا گردد و ارزش و معنا در مرجعیت جایگزین و جدید جهانی این گردد که همهٔ بشر در آن متحول گشته و به برده‌ای تبدیل شوند و خدایی را که آنها مقرر داشته‌اند، عبادت کنند؛ آن خدا همان نظم نوین جهانی است.

خطر این ایدئولوژیِ جایگزین نیز بیانگر تهاجم به مناطقی است که به عنوان خصوصی یا شخصی تلقی می‌شود و شرایط آن به شکل اساسی توسط دین، سنت‌ها و آداب و رسوم محلی و فرهنگ‌های ویژه‌ای تنظیم می‌شود و این یعنی نفوذ و تخریب ناشی از این ایدئولوژی بر حوزه‌های مرتبط با هویت و فرهنگ و وجود و محور وجود بشری تأثیر می‌گذارد. در پس این ایدئولوژی، اندیشه‌ای شیطانی نهفته است که می‌خواهد هرچ و مرج اخلاقی و فسق و فجور را فراگیر کند.

## جهانی‌سازی زنان |

فمینیسم جدید ریشه‌های فکری خود را از مارکسیسم مدرن می‌گیرد زیرا معتقد است که اشتباه مارکسیسم قدیم تکیه بر روش‌های اقتصادی برای ساختن جامعه‌ای بدون طبقه بود. در حالی که تکیه بر روش‌های اجتماعی، یگانه راه رسیدن به جامعه‌ای عاری از طبقه و گرایش‌های طبقاتی است. «خانواده و مادری‌کردن» از دیدگاه «مارکسیسم مدرن» که فمینیسم افکار و ایده‌های خود را از آن می‌گیرد نشان‌دهنده آن علتی است که در پشت پرده این نظام طبقاتی جنسی نهفته است که زنان را تنها به دلیل نقش آن‌ها در بارداری و مادری‌کردن، سرکوب می‌کند.

اگر قوانین جهانی طبیعی همان چیزی باشد که منجر به این اختلافات بیولوژیکی می‌شود باید انقلابی علیه این قوانین طبیعی به پا کرد و از آن خلاص شد. به این ترتیب تفاوت‌های بیولوژیکی بین مردان و زنان به تفاوت‌های اجتماعی مرتبط با نقش‌هایی که هر کدام از آن‌ها ایفا می‌کنند، تبدیل می‌شود. بنابراین هنگامی که مرد به ایفای نقش زن اهتمام ورزد و زن نیز به انجام نقش مرد بپردازد دیگر مرد و زنی وجود نخواهد داشت و نوع دیگری از

## جهانی‌سازی زنان |

جنسیت به وجود خواهد آمد و این نوع همان است که ماهیت نقش او را در زندگی مشخص می‌کند به گونه‌ای که به زنان اجازه می‌دهد به نقش مردان بپردازند و برعکس. آنطور که خانواده به معنای رایج و سنتی و نه فرزندان و نه مرد و زن وجود نداشته باشند. اما در پی آن خانواده‌های جدید و غیرعادی و فرزندان که محصول لقاح مصنوعی‌اند به وجود خواهند آمد.

این چه تفکر شیطانی‌ای است که فمینیسم جدید اتخاذ می‌کند؟! و چه نیرویی باعث می‌شود سازمان ملل متحد و آمریکا و غرب این ایدئولوژی شیطانی را برای تحمیل بر جهان به کار گیرند؟! این امر بیانگر اراده‌ای است که نمی‌گوییم سکولار است بلکه اراده‌ی الحادی است برای تغییر دادن وجود انسان به وجودی بی‌ارزش و بی‌معنا که اهمیت خلیفه‌بودن او را بر روی زمین از بین می‌برد.

در واقع این ایدئولوژی جنایتکارانه نه تنها برای جوامع اسلامی خطرناک است بلکه خطری برای خودِ تمدن بشری نیز محسوب می‌شود. اما جوامع اسلامی در مرکز اعتقاد و باور این ایدئولوژی جنایتکارانه جایگزین و جدید قرار دارند.

ابزارهای این مرجعیت جدید عبارت اند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸م که نخستین بذر این مرجعیت جدید بود که موضوع خانواده و زنان را به عنوان موضوعی جهانی پس از پایان جنگ جهانی دوم مطرح ساخت. اما سر و صدای مسائل سیاسی و اقتصادی که در این زمان بر کشورهای جهان سوم تأثیر می‌گذاشت بر مسائل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با خانواده و زنان و احوالات شخصی آن‌ها نیز سایه افکند. در سال ۱۹۵۰م سازمان ملل متحد تلاش کرد تا اولین کنفرانس بین‌المللی خود را درباره زن و خانواده با عنوان: «تنظیم خانواده» برگزار کند اما با مقاومت شدید دولت مصر در دوران پادشاهی مواجه شد و این کنفرانس که ریاست آن را یک شخص صهیونیست مارکسیست بر عهده داشت، شکست خورد و ناتمام ماند.

سپس سازمان ملل متحد بار دیگری علاقه خود را به ایجاد یک مرجعیت فمینیستی جدید از سر گرفت. بنابراین کنفرانسی را در سال ۱۹۵۷م در مکزیک برگزار کرد که در آن به آزادی سقط جنین برای زنان و آزادی جنسی برای



## جهانی‌سازی زنان |

نوجوانان و کودکان و تنظیم خانواده جهت کنترل جمعیت در کشورهای جهان سوم فراخواند، ولی این کنفرانس نیز شکست خورد. سپس کنفرانسی در نایروبی در سال ۱۹۸۵م با عنوان: «استراتژی‌های آینده‌نگر برای پیشرفت زنان» برگزار شد. سپس کنفرانس قاهره که در رابطه با جمعیت و توسعه بود در سپتامبر ۱۹۹۴م برگزار شد و کنفرانس دیگری که کنفرانس زنان بود در شهر پکن در سال ۱۹۹۵م تحت عنوان: «برابری و توسعه و صلح» برگزار گردید. این کنفرانسی بود که سازمان ملل متحد با آن قرن گذشته را به پایان رساند و به صورت نهایی به منظور مرجعیت جدید و جایگزینی که خواستار تحمیل آن بر جهان و در یک کلام هدف آن «جهانی‌سازی زنان» بود، به پایان رسید.

جهانی‌سازی زنان جنبه اجتماعی و فرهنگی «جهانی‌شدنی» است که سازمان ملل متحد و ایالات متحده و اروپا سعی در تحمیل آن بر سایر نقاط جهان و به ویژه کشورهای جهان سوم دارند. توصیه‌ها و اسناد امضا شده برای کشورها و دولت‌های عضو سازمان ملل متحد لازم الاجرا تلقی می‌شود همانگونه که سازمان ملل متحد با کلیه ارگان‌ها و نهادهای خود به اجرای

## جهانی‌سازی زنان |

توصیه‌های مذکور در این کنفرانس بین‌المللی و اسناد آن می‌پردازد. از جمله این توصیه‌ها نظارت و پی‌گیری بر اساس تعهد کشورها و دولت‌ها به آنهاست. همچنین سازمان‌های غیر دولتی که در سازمان ملل متحد نمایندگی دارند، نماینده نیروی فشار در کشورهای خود هستند تا میزان تعهد و پای‌بندی کشورهاشان را به قطعنامه‌ها و تصمیمات سازمان ملل متحد پیگیری کنند و از این منظر به «جاسوسان سازمان ملل متحد» در کشورهای خود شباهت دارند. اما سازمان ملل متحد به این حد اکتفا نمی‌کند و هر سال یا دو سال یکبار کنفرانس‌هایی را به همراه احزاب دولتی و سازمان‌های غیر دولتی برگزار می‌کند تا از تعهد دولت‌ها به مرجعیت جهانی جایگزین و تسلیم شدن در برابر نظم نوین جهانی اطمینان حاصل کند.

کنفرانسی سالانه به نام کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه ۱+ یا ۲+ یا ۳+ وجود دارد. این کنفرانس‌ها به همین ترتیب ادامه یافت تا آنکه موعد کنفرانس بین‌المللی جمعیت بعدی در سال ۲۰۰۴ فرا رسید. همچنین کنفرانس پکن (۱) پکن+۴ در هند برگزار شد و کنفرانس زنان در سال ۲۰۰۵

## جهانی‌سازی زنان |

میلادی پس از گذشت ده سال از کنفرانس زنان در پکن برگزار شد این بدین معنا است که مکانیسم بین‌المللی‌ای وجود دارد که ماهیت تحمیل و الزام و پی‌گیری دارد که در امور داخلی کشورها دخالت می‌کند و از آنها پای‌بندی و تعهد به آنچه امضا کرده‌اند را می‌خواهد. این مکانیسم می‌تواند از هراس‌افکنی بهره‌برد تا به اعمال تحریم‌های بین‌المللی بر کشورهای که سازمان ملل متحد می‌پندارد ملتزم و متعهد نیستند، بپردازد. همچنین این مکانیسم فریبنده به اعطای وام‌ها یا هدایا و یا موارد مشابه در صورت پای‌بندی به تصمیمات قانونی جدید می‌پردازد.

بنابراین آنچه در مورد تغییر قوانین احوال شخصی و جزاء در مصر یا مغرب یا اردن جریان دارد بخشی از تعهد به دستور کار بین‌المللی است که این کشورها در کنفرانس‌های بین‌المللی بر آن توافق کرده‌اند و بیانگر نیاز داخلی این کشورها نیست. از این رو حق زن در ابطال عقد ازدواج و حق او در مسافرت به همراه فرزندانش بدون هیچ محدودیتی و حق او در شهروندی که به عنوان حربه‌ای برای برابری او با مرد در ارث و طلاق و عدم تمکینش در برابر قیمومیت

## جهانی‌سازی زنان |

و برقراری روابط صمیمانه و دوستانه خارج از محدودهٔ خانه و خانواده به کار گرفته شد، همهٔ این مسائل به عنوان بخشی از دستور کار بین المللی پذیرش ورود در اطاعت از نظم نوین جهانی و اقرار به تعهد در قبال دین جایگزین فمینیسم ارائه شد.

هر آنچه که در این زمینه اتفاق می‌افتد مانند ت‌ا‌سیس «شورای ملی زنان» در مصر شامل چهره‌های فمینیست مصری می‌شود که بدون هیچ شرم و حیایی خواستار ایدئولوژی جدید هستند. این چهره‌های فمینیست بازتابی از اندیشهٔ فمینیسم غرب هستند. آن‌ها نسبت به زنان غربی احساس کمبود و حقارت می‌کنند و می‌پندارند که وابستگی فکری به آنان (فمینیست‌های غربی) این کمبود را برای آن‌ها جبران خواهد کرد. این کمبودها به حدی می‌رسند که آنها را از دین اسلام و نظام‌های اجتماعی و قوانین آن در سطح جامعه و خانواده متنفر می‌سازد، از این نظر آن‌ها شبیه به «طرد شدگان» هستند. از این رو این چهره‌ها نمایانگر یک حالت روانی بیمارگونه هستند و ارتقا دادن آن‌ها به سطح برنامه‌ریزی و صحبت دربارهٔ مسائل زنان چیزی

نیست جز تسلیم‌شدن در برابر قدرت‌های بین‌المللی خارجی که دوست دارند شرایط زنان در جهان اسلام توسط زنانی که افکار غربی را منعکس می‌کنند و ایدئولوژی جدید فمینیستی را تبلیغ می‌کنند، بیان شود.

### سند پکن... واژگان مرجعیت جدید:

با بازگشت به سند پکن که نمایانگر اوج تفکر فمینیستی جدید است به نقشه‌ای واضح برای نابودی خانواده، زنان و خودِ تمدن بشری پی خواهیم برد و برایمان آشکار می‌شود که تمدن غرب پس از آنکه خود به دلیل تسلیم‌شدن در برابر باورهای فمینیستی و انحرافات جنسی و اخلاقی در آستانه نابودی و هرج و مرج قرار گرفته است، تمدن‌های دیگر به ویژه تمدن اسلام را نیز نابود کند. مسلماً جنبه فرهنگی و اجتماعی‌ای که قرار است بر تمدن‌های دیگر به ویژه تمدن اسلامی تحمیل شود بخشی از آن چیزی است که «ساموئل هاتینگتون» آن را «برخورد تمدن‌ها» می‌نامد.

## جهانی‌سازی زنان |

سند مورد بحث که در حقیقت نشان‌دهنده نقشه‌ای است که در تلاش است اصطلاح «جنسیت» (Gender) را به جای کلمه «جنس» (Sex) که به زن و مرد اشاره دارد، تحمیل نماید اما واژه جنسیت (Gender) به معنای رد این واقعیت است که وضعیت بیولوژیکی، تقدیر و سرنوشت هر فرد است و همچنین رد این واقعیت است که اختلاف زن و مرد را پروردگار متعال ایجاد کرده بلکه بیانگر این است که این اختلاف ناشی از تربیت اجتماعی و خانوادگی و محیطی است؛ تربیتی که زیر نظر و تحت سیطره مردان است. این رویکرد عبارت است از: تحمیل این اندیشه که انسان حق دارد هویت جنسی و نقش‌های حاصل از آن را تغییر دهد، سپس اینکه همجنس‌گرایان و مخنث‌ها و مطالبه حقوق فاسد و منحرف آنها در زمره حقوق بشر به رسمیت شناخته شود، از جمله: حق ازدواج و تشکیل خانواده و حق به سرپرستی‌گرفتن کودکان و حق استفاده از رحم اجاره‌ای. این سند خواستار حق زنان و دختران برای برخورداری از آزادی جنسی ایمن است، با هر کسی که می‌خواهند و در هر سنی که می‌خواهند، یعنی لزومی ندارد که این رابطه حتما در چهارچوب

ازدواج قانونی باشد. بنابراین آنچه اهمیت دارد مشورت‌دادن و نصیحت‌کردن است تا این ارتباطات [گناهکارانه] عواقب بی‌خطری داشته باشند چه از نظر تولید مثل و چه از نظر ابتلا به بیماری‌های ایدز.

سند پکن از دولت‌ها می‌خواهد اولویت را به افزایش و ترویج برخورداری زنان و مردان از تمام حقوق و آزادی‌های بشر به صورت کامل و در شرایط برابر و بدون هیچ‌گونه تبعیض و نابرابری بدهند. این حقوق و آزادی‌ها عبارت‌اند از: آزادی‌های جنسی در اشکال مختلف و کنترل بارداری و سقط جنین و هر آنچه که در تقابل و در تضاد با قوانین الهی و شرایع آسمانی است. این سند از دولت‌ها می‌خواهد به رفع نیازهای آموزشی و خدماتی نوجوانان توجه کنند تا بتوانند با جنبه جنسی در زندگی خود به شکلی مثبت و مسئولانه تعامل نمایند و نیز خواستار حق دختران نوجوانِ باردار در ادامه تحصیل بدون هیچ محکومیت و نکوهشی برای این بارداری حاصل از زنا است!

سند پکن از ازدواج از آن جهت که پیوندی قانونی است که زن و مرد را در چارچوب اجتماعی گرد هم می‌آورد، سخن نمی‌گوید. بلکه معتقد است:

## جهانی‌سازی زنان |

ازدواج زودهنگام مانع پیشرفت زنان می‌شود و از این رو خواستار بالابردن سن ازدواج و منع ازدواج در سنین پایین است و کلمه «والدین» را تنها همراه با عبارت «یا هر کسی که مسئولیت قانونی فرزندان را بر عهده دارد» به کار می‌برد که اشاره‌ای به انواع مختلف خانواده‌های همجنس‌گراست، و در سند از عبارت «شوهر یا زوج» استفاده نشده است بلکه از عنوان «شریک یا همکار» استفاده کرده‌اند.

سند پکن زن را به تنهایی به صورت یک فرد و نه به عنوان هسته خانواده مورد خطاب قرار می‌دهد و به همین خاطر زن شاغل زنی مورد احترام است اما زنی که در خانه شاغل است و خانه‌دار است را یک زن عقب‌مانده و خارج از بستر جدید بین‌المللی می‌دانند، زیرا آن زن کاری را در مقابل دریافت حقوق انجام نمی‌دهد و همچنین به این خاطر که او خود را به همسر و فرزندان و خانواده‌اش پیوند زده است.

و به همین خاطر عبارت «مادری کردن» حدود ۶ بار ذکر شده است در حالی که کلمه «جنسیت = Gender» ۶۰ بار و کلمه «جنس = Sex» در موقعیت‌های



## جهانی‌سازی زنان |

مختلف بارها بیان شده است. سند پکن به «تصمیمات پکن» تبدیل گشت و توسط ۱۸۰ کشور امضا شد و مبنایی برای یک مرجعیت جهانی گردید که آشکارا به این مسئله اشاره می‌کند که دین مانعی در برابر تحقق این تصمیمات است و لذا این تصمیمات به موسسات دینی متوسل شدند تا برای تبدیل تصمیمات کنفرانس پکن در جهان واقع کمک کنند.

این بدین معناست که موسسات دینی به یکی از ابزارهای مرجعیت جهانی جدید تبدیل شده‌اند که نظام جهانی آن را ساخته است و سعی در تحمیل آن بر جهان دارد. اینجا باید نقش برخی از موسسات دینی را در موافقت با تصویب مطالبات مطرح شده در دستور کار بین المللی مورد توجه قرار داد، مانند: حق مسافرت همسر (زوجه) و همچنین فرزندان خردسال از جمله دختران بدون اجازه شوهر.

جالب توجه است که در سند مذکور از کلمه «برابری» برای بیان رفع اختلافات زن و مرد استفاده شده است و از «توسعه» برای بیان آزادی جنسی و آزادی اخلاقی استفاده شده است و از کلمه «صلح» برای درخواست از دولت‌ها

## جهانی‌سازی زنان |

استفاده شده است تا هزینه‌های نظامی خود را کاهش دهند و این هزینه‌ها را به سمت و سوی برنامه‌هایی که در راستای برنامه‌های مخرب ایدئولوژی جدید فمینیسم هستند، سوق دهند.

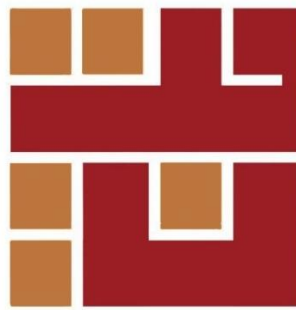
از این رو، تصمیمات کنفرانس پکن دولت‌های محلی را ملزم می‌کند تا با کمک بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، اهداف استراتژیک نظم نوین جهانی را که در رابطه با تأیید ایدئولوژی جدید فمینیسم است، اجرا کنند. اینها واژگان جدید و تصمیماتی است که نظم نوین جهانی در پی تحمیل آن به عنوان یک ایدئولوژی جهانی بر همه جهان است. و البته قصد دارد با آن به نقاط قوت تمدن‌های مختلف ضربه بزند. در مورد تمدن اسلامی، دین اسلام همچنان مرجعی برای مردم و نظامی برای زندگی آنان است به ویژه در مورد مسائل مربوط به خانواده و احوال شخصی و در مسائل فکری و فرهنگی و اعتقادی و در هر آنچه که سازمان ملل متحد و غرب را نگران و آشفته می‌سازد زیرا مسلمانان نماینده یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون نفر هستند و جهان اسلام با امکانات و دارایی‌ها و مردمش، نظم نوین جهانی را به این دلیل که کنترل خود

## جهانی‌سازی زنان |

را بر آن‌ها (مسلمانان) از دست داده است، تهدید می‌کند. از این رو باید به هسته اصلی برای از بین بردن هویت اسلامی و نظام‌های اجتماعی ضربه بزند. [هویت‌ها و نظام‌هایی] که ثابت کرده‌اند دژی هستند که جهان اسلام را از فروپاشی محافظت می‌کنند و این پاسداری از اسلام نیاز به آگاهی جدید و ابزارهای جدید دارد، همانطور که هوشیاری و مقاومت را می‌طلبد.

انسان‌ها اعم از مردان، زنان، کودکان و خانواده‌ها، کسانی هستند که هدف حمله جهانی جدیدند و همچنین آنها هدف مرجعیت جهانی جدید برای نظم نوین جهانی نیز هستند. بنابراین ضروری است که جهان اسلامی ما قیام کند و بیدار شود زیرا وجود و هستی ما به میزان ارتباط ما با کلمه «مسلمان» چه از جهت نام و چه از جهت کردار و کنش بستگی دارد و گرنه سنت استبدال و جایگزینی آنچنان است که حق تعالی می‌فرماید: **﴿وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾** [محمد: ۳۸] (و اگر روی گردانید [خداوند] قوم دیگری را جایگزین شما خواهد کرد آنگاه آنها مانند شما نخواهند بود).

جهانی‌سازی زنان |



**مرکز مطالعات متین**

[www.MatinStudies.com](http://www.MatinStudies.com)

[t.me/MatinStudies](https://t.me/MatinStudies)

[facebook.com/MatinStudies](https://facebook.com/MatinStudies)

[Instagram.com/Matinstudies](https://Instagram.com/Matinstudies)

[X.com/Matinstudies](https://X.com/Matinstudies)